

ایده خلع سلاح حزب‌الله یعنی خلع سلاح لبنان



خلع سلاح حزب‌الله، موضوعی است که بعد از توافق آتش‌بس با رژیم صهیونیستی در نوامبر ۲۰۲۴ حاصل شدو بار دیگر در فضای سیاسی لبنان مطرح شده است. حزب‌الله از دیرباز بر ضاحیه جنوبی بیروت و منطقه شیعه‌نشین جنوب این کشور کنترل داشته و خلع سلاح با مخالفت صریح رهبران مقاومت همراه شده است. نعیم قاسم، دبیر کل حزب‌الله در سخنرانی خود پیش از اعلام آتش‌بس تأکید کرده بود، این گروه به مشارکت خود در امور سیاسی لبنان بر اساس توافق طائف که به جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۹۰ تأکید کرد، نیز بار د ادعای ضعف مقاومت، تأکید کرد هر کس چنین تصویری دارد، در توهم است. او همچنین اعلام کرد «تأییدی که دولت لبنان نتواند از سرزمین و شهروندانش محافظت کند، مقاومت به وظیفه‌اش عمل می‌کند. وی همچنین تأکید کرد، این گروه به هیچ‌کس اجازه خلع‌سلاح حزب‌الله یا مقاومت را نمی‌دهد. این سلاح، تکیه‌گاه مقاومت است و کشور را آزاد و از حاکمیتش محافظت کرده است. با هر کسی که به مقاومت حمله کرده و سلاح ما را بخواهد، مقابله می‌کنیم.» در مورد خلع‌سلاح مقاومت و پیامدهای کنونی آن چند نکته حائز اهمیت است.

سابقه خلع سلاح حزب‌الله

مهم‌ترین استدلال موافقان خلع سلاح مقاومت لبنان، قطعه‌نامه ۱۷۰۱ سازمان ملل متحد، مصوب سال ۲۰۰۶ میلادی است. مفاد این قطعه‌نامه بر خلع سلاح تمامی گروه‌های مسلح در لبنان و نبود هیچ نیروی مسلحی به جز یونیفیل و لبنانی در جنوب رودخانه لیتانی تأکید دارد. سابقه خلع سلاح مقاومت، به بحران سیاسی سال ۲۰۰۸ برمی‌گردد، بعد از پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶. قدرت مانور آن در عرصه سیاسی لبنان به گونه وسیعی گسترش یافت. همچنین با قدرت‌یابی بیشتر حزب‌الله و گسترش پایگاه آن، چپه موسوم به ۱۴ مارس که گروه مخالف مقاومت بود به همراه دولت لبنان، منافع خود را در تهدید مستقیم دید. از سوی دیگر ایالات متحده به همراه انگلیس متوجه شدند، قدرت حزب‌الله را کمتر از واقعیت موجود ارزیابی می‌کرده‌اند و از خلع سلاح ناآگاهی آن از طریق جنگ با تل‌اوئید ناامید شدند و به خلع سلاح تدریجی روی آوردند. این تأثیرات همچنین به قطعه‌نامه ۱۷۰۱ و تصمیم‌های دولت لبنان بعد از جنگ در جهت خلع سلاح تدریجی حزب‌الله آشکار شد.

آن چه اکنون خلع سلاح حزب‌الله را مطرح

کرده است، به درگیر شدن این گروه در جنگ غزه بعد از ۱۷ اکتبر برمی‌گردد. بعد از آغاز جنگ با رژیم صهیونیستی و به ویژه حملات این رژیم به جنوب لبنان، انتقاد منتقدان داخلی از حزب‌الله افزایش یافت و علاوه بر وقایع میدانی جنگ، انتقادات رقبای سیاسی حزب‌الله مانند جریان ۸ مارس نیز علیه مقاومت تشدید شد و به ویژه بعد از توافق آتش‌بس، خلع سلاح مجددا مطرح شد. بعد از جنگ ۳۳ روزه، حزب‌الله هم توان و نفوذ مقابله با جریان‌های رقیب را داشت و هم در فضای سیاسی لبنان از پشتیبانی سیاسی زیادی برخوردار بود. اکنون هر چند این ادعا وجود دارد که از حمایت‌های سیاسی همانند دوره بعد از جنگ ۲۰۰۶ در فضای داخلی لبنان برخوردار نیست، ولی منتقدین می‌گویند، در شرایط کنونی نیز حزب‌الله هم توان مقابله با رقیب را دارد و هم از توانایی بسیج بسیاری از جامعه شیعیان در لبنان برخوردار است. لینا خطیب در گفت‌وگو با شورای خاورمیانه در امور جهانی می‌گوید حزب الله قدرت نظامی خود را به کنترل سیاسی در لبنان تبدیل کرده و به رغم تضعیف، همچنان آن را به عنوان تنها بازیگر سیاسی مسلح در لبنان نگه می‌دارد. میشل دان از مؤسسه کارنگی برای صلح بین‌المللی استدلال کرده، قدرت سیاسی حزب‌الله در لبنان عمیقاً در توانایی آن در ارائه خدمات اجتماعی و عمل به عنوان

نماینده سیاسی برای جامعه شیعه ریشه دارد. او تأکید می‌کند، نقش حزب‌الله به عنوان ارائه دهنده خدمات ضروری به حفظ پایگاه حمایتی و نفوذ آن در سیاست لبنان کمک می‌کند. **دوقطبی داخلی در لبنان** اختلاف و شرایط دوقطبی، ویژگی اصلی جریان‌های سیاسی لبنانی است که بعد از جنگ نیز شدت یافته است. به ویژه جریان‌های سیاسی سعی می‌کنند، جنگ را به بهترین نحو با موقعیت سیاسی‌شان تطبیق دهند. حامیان حزب‌الله به دستاوردهایی اشاره می‌کنند که نشان‌دهنده پیروزی در جنگ علیه رژیم اشغالگر است و مخالفان این گروه نیز با اشاره به شکست‌ها معتقدند، این گروه در جنگ شکست خورده است. دوقطبی در فضای سیاسی لبنان باعث شد، در ماه فوریه ۲۰۲۵ برای نخستین بار پس از سال‌ها نیروهای دولتی لبنان و طرفداران حزب‌الله در بیروت با یکدیگر درگیر شوند که به انسداد جاده فرودگاه این شهر نیز منجر شد. در بین موافقان خلع سلاح حزب‌الله، مهم‌ترین چهره جوزف عون، رئیس‌جمهور این کشور است که با حمایت ایالات متحده در ماه ژانویه به قدرت رسید. او از ابتدای به قدرت رسیدن قبول داد، انحصار دولتی بر کنترل تسلیحات ایجاد کند و در همین راستا قصد دارد به زودی مذاکرات با حزب‌الله را با محوریت خلع سلاح آغاز کند. در هفته‌های اخیر با دستور وزارت کشور لبنان و فرماندار

بیروت در بخش‌هایی از این کشور بنزرها، تابلوها و پرچم‌های حزب‌الله در جاده منتهی به فرودگاه بین‌المللی رفیق حریری بیروت کنده شد و به جای آن تابلوهایی با تصویر پرچم لبنان و بیانیهای با متن «لبنان: عصر جدید» جایگزین شده است. این اقدام به عنوان نشانه‌ای از سوی دولت برای تغییر شرایط در لبنان درک می‌شود. علاوه بر بازیگران داخلی، ایالات متحده مهم‌ترین حامی خلع سلاح مقاومت در این زمان است. مورگان اورنگاس، معاون فرستاده ویژه امریکا در امور خاورمیانه حزب‌الله باید در اسرع وقت انجام شود.

پیامدهای خلع سلاح

جوزف عون در مصاحبه ۲۰ آوریل، محدود کردن حمل سلاح به دولت از یک موضوع حساس و اساسی برای حفظ صلح مدنی در لبنان دانست که مستلزم ملاحظه و مسئولیت‌پذیری است. در این چارچوب تجربه حزب‌الله در وقت جنگ حزب‌الله در جنگ‌ها به رهبری رهبرانش، به ویژه آوردن ضربات سختی به این رژیم می‌شود، موضوع خلع سلاح شدن مجددا مطرح می‌شود. هم اکنون که در مورد خلع سلاح حزب‌الله در لبنان بحث می‌شود، رژیم اشغالگر با وجود توافق آتش‌بس به حملات خود در لبنان ادامه می‌دهد و بخشی از جنوب لبنان را در اشغال خود دارد. در این شرایط غلبه حکم می‌کند، لبنان از ابزارهای موجود برای دفاع بهره‌گیرد. لذا نقش

پیام‌های نزدیکی شرقی ریاض – تهران برای غرب



دوم، این سفر از نظر تلاش برای مدیریت

بحران‌های منطقه‌ای اهمیت دارد. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، به عنوان بازیگران کلیدی در منطقه خاورمیانه و به ویژه تحولات یمن، لبنان، سوریه و اکنون غزه، راهبردی مشترک برای جلوگیری از گسترش بحران‌های مختلف منطقه‌ای هستند. بنابراین، به نظر می‌رسد یکی از اهداف این سفر، یافتن نقاط مشترک برای مدیریت این بحران‌ها

محتوای مذاکرات و محورهای توافق

هر چند جزئیات محتوای مذاکرات میان وزیر دفاع عربستان و مقامات ایرانی رسانه‌ای نشده اما نشانه‌هایی از محورهای اصلی این گفت‌وگوها را می‌توان در مواضع رسمی و گزارش‌های غیررسمی میان مقامات دو کشور مشاهده کرد، شامل: (۱) امنیت دریایی در خلیج فارس و دریای سرخ که با توجه به



اگر حزب‌الله کاملاً از شمال رود لیتانی عقب‌نشینی کند و زیرساخت‌های نظامی باقیمانده نیز از بین برود، در حالی که رژیم صهیونیستی از خروج کامل از لبنان امتناع می‌کند، معنای آن خلع سلاح لبنان است، نه خلع سلاح مقاومت!

حزب‌الله به عنوان کمک برای نیروهای مسلح و حمایت از ارتش قابل توجه است. توسعه‌طلبی تل‌اوئید پیش از همه، قدرت لبنان را هدف قرار داده است. چنان‌چه دبیر کل حزب‌الله نیز اشاره کرد با کاهش قدرت لبنان، رژیم اشغالگر می‌تواند هر زمان که بخواهد حمله کند و آنچه را که می‌خواهد اشغال کند.

هدف اصلی رژیم صهیونیستی، پاک‌سازی مقاومت از ساختار دفاعی لبنان است. برخی گروه‌های سیاسی در لبنان که سال‌ها منتظر ضعف حزب‌الله بودند، اکنون شرایط را برای حذف مقاومت از ساختار دفاعی لبنان مناسب می‌بینند. این در حالی است که حزب‌الله و رهبران آن با تشریک مساعی در مورد راهبرد دفاعی لبنان که اکنون مطرح است، مخالف نیستند اما آن را منوط به تغییر رویکرد عملی تل‌اوئید می‌دانند. دبیر کل حزب‌الله در سخنرانی اخیر گفت: «آیا کسی از ما انتظار دارد در حالی که هواپیماها بالای سر ما پرواز می‌کنند، جنوب اشغال شده است و امریکا تمام تلاش خود را می‌کند، تا این بحث تحت فشار و بر اساس دستور خود انجام شود، درباره استراتژی دفاعی بحث کنیم؟ این دیالوگ نیست. این تسلیم است، اجازه دهید اسرائیل ابتدا عقب‌نشینی کند و به تجاوزات خود پایان دهد.» برخی اخبار حکایت از آن دارد که حزب‌الله حدود ۹۰ موضع از ۲۴۵ موضع نظامی خود را که در جنوب رود لیتانی شناسایی شده بود، به ارتش لبنان واگذار کرده است. در حالی که چنین گزارش‌هایی تأیید نشده‌اند و مقام‌های حزب‌الله از جمله دبیر کل حزب‌الله لبنان گفته است و خلع سلاح حزب‌الله هرگز رخ نخواهد داد، اگر حزب‌الله کاملاً از شمال رود لیتانی عقب‌نشینی کند و زیرساخت‌های نظامی باقیمانده را نیز از بین ببرد، در حالی که رژیم صهیونیستی از خروج کامل از لبنان امتناع می‌کند و حداقل پنج موقعیت در جنوب لبنان را در اختیار دارد، معنای آن خلع سلاح لبنان است نه خلع سلاح مقاومت.

بند ۲۳۲ را در مورد مس (سنگ بنای ساختمان‌های مدرن و سیستم‌های برق) و همچنین چوب و السوار که اجزای حیاتی در مسکن و ساختمان هستند، اعلام کرده است اما با توجه به اینکه هزینه مسکن یک نگرانی عمده عمومی است، این اقدامات رئیس‌جمهور امریکا، تحقیقات بند ۲۳۲ را در مورد نیمه‌های‌ها و تجهیزات مورد استفاده در ساخت آنها اعلام کرده است و انتظار می‌رود تعرفه‌هایی دربی داشته باشد. هدف اعلام شده کاخ سفید، بازگرداندن تولید به ایالات متحده است. با این حال، تعرفه‌ها بر این اقلام که منجر به قیمت‌های بالاتر خواهد شد، به این فهرست، باید داروها را هم اضافه کرد که بسیاری از آنها در خارج از امریکا ساخته می‌شوند. هدف ترامپ این است که تعداد بیشتری از داروها در ایالات متحده تولید شوند اما افزایش هزینه دارو برای گران‌ترین سیستم مراقبت‌های بهداشتی در جهان توسعه یافته، در تضاد با هدف کاهش نگرانی‌های عمومی در مورد قیمت‌ها و مراقبت‌های بهداشتی است. اگرچه این تعرفه‌ها می‌تواند در جهت ایجاد انگیزه برای تقویت مجدد ظرفیت تولید دارو مؤثر باشد اما کارشناسان می‌گویند، ایجاد آن نوع زیرساخت‌های تولید دارو در امریکا که هم اکنون در میان شرکای تجاری بزرگ ایالات متحده وجود دارد، سال‌ها طول می‌کشد.

سیاستی ناکارآمد در مهار چین پس از اینکه چین، به دلیل جنگ تجاری، عرضه مواد معدنی به امریکا را قطع کرد، اخیراً، ترامپ تحقیقات بند ۲۳۲ در مورد

بسیاست‌های امریکا و اسرائیل در منطقه گفت‌وگو کرده‌اند. **تأثیرات منطقه‌ای: نظم نوین یا موازنه موقت؟** این سفر همچنین می‌تواند، به‌عنوان بخشی از تلاش‌های دو کشور برای ایجاد نوعی «بابت‌مسئله» یا «موازنه‌سازی فعال» در منطقه دیده شود. در حالی که هنوز برخی بی‌اعتمادی‌ها، رقابت‌ها و تضاد منافع وجود دارد، اما بازیگران اصلی خاورمیانه به این نتیجه رسیده‌اند که استمرار تنش، هزینه‌های نامطلوبی خواهد داشت.

این در حالی است که چین، به‌عنوان میانیچی آشتی ایران و عربستان، از نفوذ فزاینده خود در خاورمیانه برای تضعیف نقش امریکا بهره‌برداری می‌کند. نزدیکی تهران و ریاض، به‌رهبری پکن، پیام روشنی برای غرب دارد: نظم منطقه‌ای در حال تغییر است. همچنین، فرصت‌های اقتصادی مشترک، محرک این مهم نیز بوده‌اند. چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی در قالب «چشم‌انداز ۲۰۳۰» عربستان و «برنامه‌های توسعه‌ای ایران»، مستلزم کاهش تنش‌ها از یک سو و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از سوی دیگر است. امنیت منطقه‌ای پیش شرط تحقق این اهداف است. با وجود همه این تحولات مثبت، نباید از دشواری‌های پیش‌رو غافل شد. تفاوت دیدگاه‌ها در لبنان، سوریه و همچنین در سطح برخی نتخبگان سیاسی دو کشور، از جمله مهم‌ترین موارد هستند.

نزدیکی دو کشور به همدیگر را می‌توان تیلور نوعی «دیپلماسی واقع‌گرایانه» در منطقه دانست، رویکردی که منافع ملی، ثبات و توسعه را ترجیح می‌دهد. اگرچه مسیر پیش رو همچنان خالی از چالش نخواهد بود، اما این رخداد می‌تواند سنگ‌بنای شگلگیری ترتیبات امنیتی جدید در خلیج فارس و خاورمیانه باشد، ترتیباتی که بر گفت‌وگو، موازنه و همکاری استوار است.

ترجمه: زهراسادات آفرینی

در دوران بهادادن به اهرم تجاری در جهت شکل‌دهی به اهداف شخصی، تحریم سال ۱۸۶۱ کنفدراسیون (امریکا) بر صادرات یک محصول مهم یعنی پنبه، آن‌هم به‌امید وادار کردن کشورهای خارجی به حمایت از کشوری نوپا همواره اقدامی شایسته تحسین بود و این نگرش تا بهار امسال ادامه داشت.

اکنون، ایالات متحده به دلیل جنگ‌های تجاری دونالد ترامپ، پرچمدار اقدامی است که قبلاً مشابه آن را مدیریت کرده است اما این اقدام، تحریم‌های گسترده کالاهای آمریکایی را در کانادا و اروپا به دنبال داشته و برخی بازارهای اصلی صادرات کالاهای کشاورزی ایالات متحده را مسدود کرده است و در تازه‌ترین مورد، در یکی از مهم‌ترین بازارهای هوانوردی جهان، یعنی چین را روی بوئینگ بسته است. فراتر از تناقضات ذاتی‌ای که مبنای منطق در حال تغییر سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ را شکل داده است، آتش‌بس مورد مذاکره، درآمدهای تعرفه‌ها و هرگونه تجدید نظر در تولید را کاهش می‌دهد. از طرفی، تعرفه‌های بالا، مذاکرات را هم بی‌معنا می‌سازد.

سیاستی در جهت متضاد با منافع عمومی

ترامپ هم در دور دوم و هم حالا، برای افزایش عوارض فولاد و آلومینیوم، به تحقیقات موسوم به بند ۲۳۲ (قوانین تجارت جهانی) متکی بود. او همچنین از امنیت ملی برای محافظت از خودروسازان امریکایی در برابر تهدیداتی مانند آنچه به گیربکس‌های کانادایی مربوط می‌شود، استفاده کرده است. ترامپ بررسی‌های



اثر تضادهای تجاری ترامپ در خانه در چنین شرایطی، اگر برنامه‌های دولت ترامپ برای دستیابی به قراردادهای تجاری در مسکن و ساختمان هستند، اعلام کرده است اما با توجه به اینکه هزینه مسکن یک نگرانی عمده عمومی است، این اقدامات رئیس‌جمهور امریکا، تحقیقات بند ۲۳۲ را در مورد نیمه‌های‌ها و تجهیزات مورد استفاده در ساخت آنها اعلام کرده است و انتظار می‌رود تعرفه‌هایی دربی داشته باشد. هدف اعلام شده کاخ سفید، بازگرداندن تولید به ایالات متحده است. با این حال، تعرفه‌ها بر این اقلام که منجر به قیمت‌های بالاتر خواهد شد، به این فهرست، باید داروها را هم اضافه کرد که بسیاری از آنها در خارج از امریکا ساخته می‌شوند. هدف ترامپ این است که تعداد بیشتری از داروها در ایالات متحده تولید شوند اما افزایش هزینه دارو برای گران‌ترین سیستم مراقبت‌های بهداشتی در جهان توسعه یافته، در تضاد با هدف کاهش نگرانی‌های عمومی در مورد قیمت‌ها و مراقبت‌های بهداشتی است. اگرچه این تعرفه‌ها می‌تواند در جهت ایجاد انگیزه برای تقویت مجدد ظرفیت تولید دارو مؤثر باشد اما کارشناسان می‌گویند، ایجاد آن نوع زیرساخت‌های تولید دارو در امریکا که هم اکنون در میان شرکای تجاری بزرگ ایالات متحده وجود دارد، سال‌ها طول می‌کشد.

سیاستی ناکارآمد در مهار چین پس از اینکه چین، به دلیل جنگ تجاری، عرضه مواد معدنی به امریکا را قطع کرد، اخیراً، ترامپ تحقیقات بند ۲۳۲ در مورد

بسیاست‌های امریکا و اسرائیل در منطقه گفت‌وگو کرده‌اند. **تأثیرات منطقه‌ای: نظم نوین یا موازنه موقت؟** این سفر همچنین می‌تواند، به‌عنوان بخشی از تلاش‌های دو کشور برای ایجاد نوعی «بابت‌مسئله» یا «موازنه‌سازی فعال» در منطقه دیده شود. در حالی که هنوز برخی بی‌اعتمادی‌ها، رقابت‌ها و تضاد منافع وجود دارد، اما بازیگران اصلی خاورمیانه به این نتیجه رسیده‌اند که استمرار تنش، هزینه‌های نامطلوبی خواهد داشت.

این در حالی است که چین، به‌عنوان میانیچی آشتی ایران و عربستان، از نفوذ فزاینده خود در خاورمیانه برای تضعیف نقش امریکا بهره‌برداری می‌کند. نزدیکی تهران و ریاض، به‌رهبری پکن، پیام روشنی برای غرب دارد: نظم منطقه‌ای در حال تغییر است. همچنین، فرصت‌های اقتصادی مشترک، محرک این مهم نیز بوده‌اند.

چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی در قالب «چشم‌انداز ۲۰۳۰» عربستان و «برنامه‌های توسعه‌ای ایران»، مستلزم کاهش تنش‌ها از یک سو و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از سوی دیگر است. امنیت منطقه‌ای پیش شرط تحقق این اهداف است. با وجود همه این تحولات مثبت، نباید از دشواری‌های پیش‌رو غافل شد. تفاوت دیدگاه‌ها در لبنان، سوریه و همچنین در سطح برخی نتخبگان سیاسی دو کشور، از جمله مهم‌ترین موارد هستند.

نزدیکی دو کشور به همدیگر را می‌توان تیلور نوعی «دیپلماسی واقع‌گرایانه» در منطقه دانست، رویکردی که منافع ملی، ثبات و توسعه را ترجیح می‌دهد. اگرچه مسیر پیش رو همچنان خالی از چالش نخواهد بود، اما این رخداد می‌تواند سنگ‌بنای شگلگیری ترتیبات امنیتی جدید در خلیج فارس و خاورمیانه باشد، ترتیباتی که بر گفت‌وگو، موازنه و همکاری استوار است.



ترامپ می‌گوید هدف تعرفه‌ها بازگرداندن تولید به امریکاست ولی تعرفه‌ها بر بسیاری از اقلام باعث قیمت‌های بالاتری خواهد شد

کیت جانسون خبرنگار فارن پالیسی در امور جغرافیای اقتصادی سیاسی و انرژی